

## تورج نوروزی

*Persian Studies in North America*  
 Studies in Honor of Mohammad Ali Jazayeri  
 ed. by Mehdi Marashi  
 Iranbook, pp. XIX+421+131

«تحقیقات ایران‌شناسی در امریکا»،

(جشن‌نامه دکتر محمد علی جزایری)

ویراستار: مهدی مرعشی

ناشر: کتابفروشی ایران، ۱۹۹۲، ۵۷۶ صفحه

جشن‌نامه‌نویسی و یادنامه‌نویسی کلاً سنت دانشورانه پسندیده‌ای است که در حیطه مطالعات ایران‌شناسی سه دهه اخیر جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. خصوصاً این که شخصیتی که برای او جشن‌نامه‌ای تهیه می‌شود، بازتابی از ثمرات عمر دانش پژوهانه‌اش را در چنین اثری بیاید. کتاب «تحقیقات ایران‌شناسی در امریکا» در بادی امر در این جهت گام نهاده و هدفش بزرگداشت استاد محمد علی جزایری است. استاد جزایری شخصیتی ست فاضل و فرهیخته که عمری را در قلمرو تدریس زبان فارسی در امریکا، و شناخت آثار و عقاید سید احمد کسروی سپری نموده و با سرشت نیکوی خود تأثیر به‌سزایی در اخلاقیات و دانشوری شاگردان خود به‌جای گذاشته است. کتاب «تحقیقات ایران‌شناسی» قاعده باید در بردارنده نکاتی باشد در جهت گرمی داشتن روند تحقیق و تدریس و خلق و خوی استاد. در همین راستا در این کتاب سی مقاله در دو بخش فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است که عمده به سه بخش تقسیم می‌شوند: ۱- زبان و زبان‌شناسی فارسی؛ ۲- تدریس زبان فارسی؛ ۳- و فرهنگ و ادب فارسی. بخش فارسی کتاب که شامل شش مقاله در ۱۳۱ صفحه می‌باشد محتاج یک مقدمه برای خواننده فارسی‌زبان است که حداقل بداند این جشن‌نامه مربوط به کیست و چرا این مقالات به فارسی انتخاب شده‌اند؟ به‌هز تقدیر خواننده در این بخش با مقالات سودمندی آشنا می‌شود که نوعاً به هم مرتبطند. مقاله دکتر احسان یارشاطر «پاسداری زبان فارسی» علی‌رغم موجز بودنش تقویت زبان فارسی را از طریق دوباره آموختن تاریخ یسقی و گلستان... پیشنهاد می‌کند. نظر استاد یارشاطر در مورد بازفراگیری متون پایه فرهنگ و ادب فارسی صائب و مستوفی است. اما در عین حال این پرسش را به ذهن خواننده متبادر می‌کند که ربط این بازخوانی با اندیشه معاصر چیست و به‌عنوان مثال خواندن دقیق تاریخ یسقی به لحاظ فکری چه اثری بر ذهن نقادانه معاصر می‌تواند داشته باشد. و اگر مقصود از آموختن این متون پاسداری از حریم سبک نثرنویسی موجز و

روان است، نثر بیبهری چه اثری بر نثر معاصر نویسندگانی چون هوشنگ گلشیری در «حدیث مرده بر دار کردن سواری که خواهد آمد» و یا بهرام بیضائی در فیلمنامه‌های «عیارنامه» و «مرگ یزدگرد» گذاشته است که خود پرششیست پس مهم در روند شناسایی تداوم هدفمند سبک متون پایه در نثر معاصر فارسی. مقالات دکتر جلال متینی «یک زبان و سه نام»، حمید حمید «زبان فارسی و هویت ملی» از لحاظی مکمل یکدیگرند، چرا که اگر اولی به دخالت ملاحظیات سیاسی در معرفی هویت زبان و ادب فارسی در افغانستان و تاجیکستان اشاره می‌کند، دومی به بررسی تأثیر زبان فارسی و هویت ملی در پروراندن مباحث حکمت و فلسفه و عرفان در عالم اسلامی می‌پردازد. کاش حمید در انتهای مقاله پرجاذبه‌اش، پرسش خود را در زمینه حفظ هویت تاریخی زبان فارسی و وظیفه ایرانیان به مسائل انتقادی معاصر نیز ربط می‌داد و به نوعی ارائه طریق می‌کرد تا خواننده صرفاً از یادآوری افتخارات گذشته به‌وجود نیاید. معرفی اثر مهجور بدر شروانی در زمینه شعر فارسی در مقاله دکتر حشمت مؤید «بدر شروانی و اشعارش، نظری به دیوانی بازیافته» مباحثیست خواندنی و به‌هنگام که نوید تحقیقات پدافند‌های را در آینده می‌دهد.

مقالات بخش انگلیسی مربوط به زبان‌شناسی حاوی مطالعات وسیعیست در جهت بازشناسی مباحث فنی زبان‌شناسی چه در زمینه «نظام واجی» در ایران و سرزمینهای ماوراء قفقاز (نوشته دان استیلو) و چه در مورد «ساختمان اضافه» در دستور زبان فارسی. مقالات مربوط به مسائل تدریس زبان فارسی جلوه‌ایست از تجربیات شخصی بیشتر نویسندگان در حیطه جنبه عملی تدریس این زبان در دانشگاههای امریکا. مقاله براین اسپونر پرششی سازنده و مهم را در قلمرو تدریس فارسی به‌عنوان زبان فراگیر و همسانی که تنوعات گویشی و فرهنگی «دری» و «تاجیکی» و «فارسی» را در بر گیرد مطرح می‌کند که با مقاله دکتر متینی در بخش فارسی نیز بی‌ربط نیست. همچنین است پیشنهاد دکتر قانون‌پرور در مورد به‌کارگیری منابع فرهنگی در تدریس زبان فارسی بالاخص مقوله فیلمهای ایرانی که به‌خاطر اهمیت تصویری ارائه زبان و فرهنگ محتاج بررسی همه‌جانبه‌ای در نشستها و کنفرانسهای آینده می‌باشد. یکی از مقالات جالب توجه مربوط به موقعیت زن ایرانی در دوره قاجار است که معرف دیدگاه انتقادی نگارنده‌اش خانم شیرین مهدوی‌ست. از نکات جالب توجه این مقاله اشاره‌ایست که نویسنده به نظرات شیخ احمد روحی و قره‌المین در مورد آزادی و نقش زنان در جامعه معاصرشان می‌کند. اما نظرات آنان صرفاً پاسخهای اجتهادی به مسائل زمان خود به‌شمار

۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳  
۱۴  
۱۵  
۱۶  
۱۷  
۱۸  
۱۹  
۲۰  
۲۱  
۲۲  
۲۳  
۲۴  
۲۵  
۲۶  
۲۷  
۲۸  
۲۹  
۳۰  
۳۱  
۳۲  
۳۳  
۳۴  
۳۵  
۳۶  
۳۷  
۳۸  
۳۹  
۴۰  
۴۱  
۴۲  
۴۳  
۴۴  
۴۵  
۴۶  
۴۷  
۴۸  
۴۹  
۵۰  
۵۱  
۵۲  
۵۳  
۵۴  
۵۵  
۵۶  
۵۷  
۵۸  
۵۹  
۶۰  
۶۱  
۶۲  
۶۳  
۶۴  
۶۵  
۶۶  
۶۷  
۶۸  
۶۹  
۷۰  
۷۱  
۷۲  
۷۳  
۷۴  
۷۵  
۷۶  
۷۷  
۷۸  
۷۹  
۸۰  
۸۱  
۸۲  
۸۳  
۸۴  
۸۵  
۸۶  
۸۷  
۸۸  
۸۹  
۹۰  
۹۱  
۹۲  
۹۳  
۹۴  
۹۵  
۹۶  
۹۷  
۹۸  
۹۹  
۱۰۰

نی‌آیند، بلکه منبث‌اند از جنبش اصلاحی بایه که از زمینه‌های عرفانی- فلسفی مکتب شیخیه آغاز شده و شکل تفکر دینی زمان معاصر خود را پیدا کرده است. طرفه آن که شخصی مانند قره‌الین هیچ‌گاه مستقیماً به موقعیت زن در جامعه زمان خود اشاره نمی‌کند و بیشتر هدفش یک نوع اصلاح فکر دینی در چهارچوبی معرفت‌شناسانه است. در مقاله تأمل برانگیز این بخش، دکتر لنوویتز (Harris Lenowitz) به بررسی تأثیرات نمادشناسی فرهنگی در بازشناسی ریشه‌های ایرانی داستان ضحاک در اثر جاکوب فرانک می‌پردازد. مضافاً بر این که «لنوویتز» به کاربرد نماد «هفت اقلیم» در شاهنامه و اثر فرانک اشاره می‌کند که وجوه افتراق معرفت‌شناسانه‌ای دارند چرا که «هفت اقلیم» شاهنامه به فتح جمشید درمی‌آیند و هویتی این جهانی دارد، حال آن که هفت اقلیم در حیظه علم‌التأویل بهبود تجلیاتی از نظام الهی است.

مقاله دکتر احمد کریمی حکاک ضمن طولانی بودنش حاوی اطلاعات مفیدی در مورد برخورد سانسور دولتی و ادبیات پس از انقلاب است که بعضاً حالت صدور بیانیه‌های سیاسی را به خود می‌گیرد (مثلاً نگاه کنید به صفحه ۳۱۱ کتاب). گاهی هم خواننده درصدد کشف ترجمه فارسی برخی مقوله‌ها برمی‌آید مثل "lyrico-philosophical poetry" که به سبک اشعار عرفانی آیت‌الله روح‌الله خمینی اشاره می‌کند. همین‌طور است انتخاب واژه "royalist" در مقابل اصطلاح «طاغوتی» که در ادبیات بعد از انقلاب فراوان به چشم می‌خورد. البته "royalist" ترجمه‌ای است بسیار سردستی از طاغوتی زیرا که طاغوت به معنای بت و به تعبیر دهخدا عبارت است از «هرچه آن را پرستند جز خدای عز و جل» که از ماده طغیان می‌آید و به انگلیسی معنای "a false God" یا "idol" را دارد. البته در ادبیات بعد از انقلاب واژه‌های «طاغوت» و «طاغوتی» به اقتداری فسادبرانگیز اشاره دارد که می‌تواند از لحاظ کاربرد سیاسی مفاهیم دینی سلطنت و سایر اندیشه‌ورزی‌های دین‌ستیز را دربرگیرد.

مقاله‌ای که ربطی به شیرازه منطقی کتاب ندارد، نوشته پنج صفحه‌ای ریچارد فولتز (Richard Foltz) است اندر باب مفهوم عشق و شراب در آثار خیام و حافظ که بیشتر به یک انشاء دبیرستانی یا سال اول دانشگاه شبیه است تا طرح هدفمندانه مقوله‌ای این چنین مهم که در شأن آثار دیگر نویسندگان کتاب «تحقیقات ایران‌شناسی» باشد. دیگر افسوس این که، در نوشته دیگر آقای فولتز که ترجمه‌ای است از مقاله زنده یاد دکتر خانلری تحت عنوان «زبان سه هزار ساله» در مجله سخن، سهیل انگاری‌هایی به چشم می‌خورد که باید بیشتر مورد دقت و ویراستار قرار می‌گرفت. مثلاً «لطیف‌ترین

اندیشه‌های فلسفی و عرفانی» شده است: "Finest thoughts of philosophy and knowledge" و یا این که «پرسیان» که در مقاله دکتر خانلری مفهوم Persians را دارد در ترجمه تبدیل شده است به Parsis که به زرتشتیانی اشاره دارد که پس از اسلام از ایران به سرزمین هند مهاجرت کردند، حال آن که مقاله خانلری به زبان فارسی به عنوان «زبان متداول میان قبیله ایرانی فرمانروا یعنی پارسیان» اشاره دارد.

در قسمت شرح حال استاد جزایری در بخش نخست کتاب، جای یک مصاحبه در قالب تاریخ شفاهی با خود استاد خالی است به خصوص این که در سرتاسر مقاله‌ای راجع به عقاید و آراء کسروی که علائق پژوهشی دکتر جزایری را دربرمی گیرد وجود ندارد.

سخن کوتاه، علی‌رغم برخی مشکلات ویراستاری و صرف‌نظر از یکی دو مقاله، کتاب «تحقیقات ایران‌شناسی در امریکا» مجموعه‌ای است به یادماندنی در شأن استاد جزایری که عمرشان دراز باد.

مرکز خاورمیانه، دانشگاه یوتا

اسفند ۱۳۷۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی